

حرفهای سید حسن نصرالله

در گزارشی که آقای مهرداد فرمند گزارشگر بی بی سی از بیروت انتشار داده از اظهارات چند ماه قبل سید حسن نصرالله پرده برداری کرده است نصرالله دردو سخنرانی جداگانه در سال گذشته مطالبی در رابطه با ایران گفته است که در واقع به نیابت از خامنه ای ورژیم اسلامی ایران بازگو کرده است.

فرزند یتیم بی پدر

در داستانهای قدیم داریم که کودکانی که پدر نداشتند یتیم بودند مورد آزار هرزگان و زورگویان بی وجدان قرار میگرفتند این اشاره بدان جهت لازم آمد که تعجب نکنیم که چطور سید حسن نصرالله جیره خوار ایران توی سرایران و ایرانی میکوبد ایران یتیم است. هویتش نهادی اش که از ایران جدا شد یتیم شد.

هرچه هم ایران فریاد کرد پدرم مرانتها نگذار شرافت و حیثیت من، امانت نزد توست پاسخی نگرفت و برعکس، متجریان جرات یافتند که آنچه تاکنون جسارت آنرا نداشتند که بگویند چه خودشان و چه از زبان گماشته خودشان سید نصرالله به گوش مردم یتیم ایران برسانند.

اوجه گفته است؟

۱ - او گفته رهبران ایران خمینی و خامنه ایا عرب و از نسل اعراب میباشند.

گفته او مطلب تازه ای از نظر اعلام میباشد ولی از نظر واقعیت تردیدی بر آن هموار نیست تمام کسانی که خود را سید میدانند، خود را نواده های اعراب میدانند و دیگر تفاوتی ندارد که اجداد ادعائی آنها از کدام طایفه عرب باشند و از آنجا که اسلام قائل به تابعیت و مرز بوم نیست لذا تمام آخوندهای عمامه سیاه، عرب و از نسل اعراب میباشند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی فقط ایرانی بودن از شرایط انتخاب ریاست جمهوری است که او هم عملاً فاقد اختیارات است ولی برای ولی فقیه که کل قدرت و اختیارات درید اوست شرط ایرانی بودن لازم دانسته نشده است و با توجه به فلسفه تشیع که رهبر جامعه تشیع باید از بطن علی و فاطمه باشد یعنی عرب باشد شرط ایرانی بودن با حاکمیت تشیع مبیانت دارد.

آنچه که سید نصرالله درباره عرب بودن خامنه ای و خمینی گفته است بعد از یکسال در شجره نامه ای که برای خامنه ای و خمینی اخیراً انتشار یافته دقیقاً میتوان دید یعنی یکسال قبل همین مسئله شجره نامه را سید نصرالله مطرح کرد و چون بازتابی نداشت و عکس العملی از جانب ایرانیان مشاهده نشد جمهوری اسلامی با انتشار شجره نامه، به عرب بودن و ایرانی نبودن خامنه ای و خمینی مهرتانی زد.

ممکن است از خودمان باشرم بپرسیم چگونه میشود که رهبران کشور ما ایرانی نباشند پاسخ روشن است بر طفل بی پدر و ((ملت بی رهبر تاریخی و سنتی همه این چیزها روان است و ممکن))

تمدن اسلامی

۲ گفته است «آنچه در ایران هست تمدن اسلامی است»

بحث وجدل اینکه تمدن ایران ترکیبی از تمدن ایران و اسلام است یا خیر سالهای سال است که در جریان است این بحثها باید از یکجا ریشه بگیرد والا پایان پذیر نیست آن ریشه قران است و سنت، و گرنه بانظر نمیتوان این معادله راحل کرد

یکی مانند سید نصرالله و خمینی قائل به تمدن ایرانی نیستند و کسانی هم ارفاقاً برای اسلام تمدنی فرض میکنند و آنرا تمدن ایرانی شریک میسازند.

تمدن رادو معنی است یکی معنوی و دیگری مادی تمدن معنوی یعنی مسدود شدن باب خشونت و تهاجم و تبدیل آن به حالت انس و زندگی مشترک با مردم جهان.

آیادرقران و اسلام باب خشونت و تهاجم بر غیرمسلمان مسدود شده و حالت انس و همزیستی مسالمت آمیز با پیروان سایر ادیان مورد حکم قرار گرفته است؟ ابدأ، ابدأ و برعکس حالت جنگ و خصومت و شرائط سخت و غیر انسانی بین مسلمانان و کفار توصیه مکرر شده است. پس منطق اسلام و قران قائل به تمدن معنوی نیست.

اما تمدن مادی، عبارت از وضع حاصل از تلاشهای انسانی است که سبب راحتی بیشتر، معیشت بهتر و درمان سریعتر در هدف عالی علاقمندی به زندگی است.

تمدن مادی مانند علف بیابان نیست که خود رو باشد ساختار و رویش آن نیاز به پدیده ای دارد که نام آن علم است.

عاملی که میتواند تلاشهای انسان را از قوه به فعل در آورد علم است که بادامه وسیع و نامحدود خود، تمدن را بوجود میآورد.

اسلام قائل به نامحدود بودن علم نیست و حتی تعریف علم در حقوق اسلامی نامعلوم است در کتاب تحقیق علم که در سال ۱۳۴۴ از سوی دانشگاه تهران منتشر شد آمده است «علمای اسلامی در تعریف علم به ۱۷ دسته تقسیم شده اند و مشکل آنها در رسیدن به یک تعریف واحد حدیثی است که از محمد بنام حدیث نبوی باقیمانده است و میگوید: «علم سه چیز است، آیه محکمه، فریضه عادلانه و سنت قائمه»

متن حدیث نبوی چنین است:

از امام هفتم نقل شده است که روزی رسول خدا وارد مسجد شد و دید جماعتی گرد مردی را گرفته حضرت پرسید چه خبر است گفتند علامه است حضرت فرمود علامه یعنی چه گفتند علامه یعنی کسی که به دودمان عرب و حوادث دوران جاهلیت و اشعار عربی از همه داناتر است پیغمبر فرمود «اینها علمی است که نادانش رازیانی ندهد و عالمش را سودی نبخشد همانا علم سه چیز است آیه محکم، فریضه عادلانه و سنت پابرجا و هر چه غیر اینها باشد باطل است»

فیض کاشانی در تفسیر این حدیث نبوی تفسیری نوشته و میگوید «آیات محکم، قران کریم است - فریضه عادلانه، اشاره به علم اخلاق و سنت قائمه، اشاره به احکام شریعت است (جلد اول کتاب کافی)

حدیث نبوی تنها یک حدیث نیست آیات بسیاری از قران پشتوانه آن است حتی آیات قران علم را باعث اختلاف انسان ها میداند و باز اشاره ای دارد بر اینکه منتهای علم گرایش به زندگی است که آن رویگردانی از خداست.

رابطه تمدن با علم

اگر تمدن مادی یعنی تحول علم را به صنعت و وسائل پیشرفت و ترقی جامعه بدانیم لابد از آن هستیم که رابطه مزبور را در جوامع اسلامی مقطوع بدانیم زیرا علمی که تحول جوامع و وسائل پیشرفت را فراهم میکند در اسلام منع گردیده و اسلام علم را محدود به سه موضوعی میداند که هیچکام ذره ای در راه تحول فکریه و وسائل پیشرفت قابل مصرف نیستند.

همانطور که میدانیم اسلام علاقه به زندگی، به ثروت حتی علاقه به فرزند را شدیداً نهی کرده و علاقمندان به زندگی دنیوی را به مجازات های سنگین غیر قابل تصور وعده داده است بنابراین تمدن مادی که نهایتاً به علاقه به

زندگی بهتر و آسایش بیشتر و وصل میشود برخلاف دستور قرآن و اسلام است در این وضع چگونه میتوان از تمدن اسلامی صحبت کرد چیزی را که اسلام تنفیذ نمیکند، که نمیتواند اسلامی شناخته بشود.

مثالش رامیتوان چنین آورد قرآن شرب مسکرات را منع کرده است اگر در یک جامعه اسلامی یک نفر کارخانه عرق سازی تولید کرد میتوان گفت - عرق اسلامی؟

تمام. شما و جد شما در باره تمدن اسلامی با توجه به فلسفه اسلام و صراحت قرآن باطل و مردود است. یکی از کتب اسلامی

تمدن را در مفهوم زراعت کردن، گله داری، امنیت و ازدواج و حاکمیت قانون خدا دانسته و نوشته است اسلام باینهانه تنها مخالفتی ندارد بلکه تشویق هم میکند پس اینکه میگویند اسلام با تمدن مخالف است اینطور نیست. (کتاب اسلام و تمدن اثر مصطفی زمانی)

کلان هوار، عرب شناس نامدار اروپایی میگوید طبیعت به عرب بادیه نشین ۴ چیز عطا کرده است شتر- شمشیر- خیمه و شتر. رنان دانشمند فرانسوی گفته است «اگر علوم و فرهنگ ملل دیگر و بخصوص ملت ایران را که بعد از اسلام وارد جهان عرب شد، از اعراب بگیرد فقط اعراب باقی میماند و شتر او» و برخی از صاحب نظران گفته اند که «اگر علوم و فرهنگ دیگر ملل را از اعراب بگیریم برای آنها سخنوری و شعر باقی میماند» شعر و سخنوری هم هیچ ارتباطی به تمدن ندارد و یادمان باشد که سنت محمد شعر و شعاعری را تائید نمیکند.

نکته دیگری در حرفهای سید نصرالله تکذیب تمدن ایران قبل از اسلام است «گواه و سند حماقت افراد سخن آنهاست» خواجه عبدالله انصاری جمله ای دارد که وصف الحال مورد است میگوید: «خورشید نه مجرم است گر کسی بینا نیست» خوبست سید نصرالله در غیر ساعات نوکری جمهوری اسلامی قدری با اهل علم هم صحبت کند.

بازگشت به دوران هخامنشی

در گزارش بی بی سی در رابطه با اظهارات سید نصرالله آمده است که:

«بسیاری از سیاستمداران عرب این دیدگاه را مطرح میکنند که ایران در پس ظاهر اسلامی و شیعه، در واقع به دنبال احیای شاهنشاهی باستانی پیش از اسلام خود است» گزارش خبری مهمی است و حرفهای مشاعی و شعاری که احمدی نژاد پشت سرش در سخنرانی هادیده میشود شعار این است:

«سرفراز باد میهن من» اعلامی است که گزارش را تائید میکند.

آنها که به فرهنگ و تاریخ ملت ما آگاهند میدانند که رمز بقای ایران هویت شاهنشاهی است و میخواهند با توسل به این نماد تاریخی حیات سیاسی خودشان

را محکم سازند ولی در کمال تاسف هویت و تاریخی شاهنشاهی ایران از هویت نهادی خودشان که سند آن تاریخ کهن ایران و فرهنگ و اعتماد ایرانیان

امضا و تأیید کرده است جدا و این موهبت الهی را را میزنند، خوب در این حالت چرا متجاوزین به ایران و جنایتکاران مسلم و منفور

دست تصرف روی هویت ایرانی نگذارند آنها به دنبال جنگ انداختن بر هویت تاریخی ایرانیان یعنی شاهنشاهی هستند و مابدنیال حزبیهای حرفی بی رمق و گدائی های بی رونق